کارمندان ادارات دولتی، کولر گازی تعطیل!

مدیر دفتر مدیریت مصرف شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ گفت: به منظور اطمینان از تامین برق منازل، مراکز کسب و واحدهای درمانی، استفاده از کولرهای گازی در ادارات و دستگاه‌های اجرایی تهران ممنوع شد. بر اساس ابلاغیه معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو، تمامی دستگاه‌های اجرایی، حداکثر تا ۵۰ درصد مدت مشابه سال گذشته، مجاز به مصرف برق هستند. بر همین اساس به منظور جلوگیری از افزایش بار شبکه توزیع برق پایتخت در ساعات اوج بار، استفاده از کولرهای گازی در تمامی دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و ادارات تهران ممنوع بوده و مسوولان ادارات موظفند تمامی امکانات موجود را در راستای کاهش مصرف برق ساختمان‌های تحت مسوولیت خود به کار گیرند.

شاید باورتان نشود ولی چند روزنامه‌نگار و نویسنده و مستندساز دورهم جمع شده‌اند تا درباره کولر حرف بزنند

بوی پوشال یک نوستالژی زنده

نمی‌دانیم الان که دارید این روزنامه را می‌خوانید، پایتان را انداخته‌اید روی پایتان و زیر باد کولر گازی، آن را ورق می‌زنید یا در بی‌برقی نشسته‌اید و با ۱۶صفحه دیگر روزنامه خودتان را باد می‌زنید و هفتگ جام‌جم می‌خوانید.

اگر در شرایط دوم هستید و دارید عرق می‌ریزید و جیره بی‌برقی‌تان را سر می‌کشید، باید بگوییم خواندن این شماره هفتگ جام‌جم برای شما مثل دیدن صفحه‌های اینستاگرامی معرفی غذا و رستوران‌گردی در روزهای ماه رمضان است.

البته تلقین همیشه اثر خودش را می‌گذارد. مهم نیست این فرضیه را دانشمندان اثبات کرده‌اند یا نه، مهم این است اگر در شرایط بی‌برقی نشسته‌اید، این تنها راه جلوی پای شماست. چشمان‌تان را ببندید و بوی پوشال خیس کولر آبی را تصور کنید.

عکس: جاوش همایونی

احتمالا فکرش را هم نمی‌کردید که کولر این همه کاربرد مختلف داشته باشد

کاربردهای شگفت‌انگیز یک خنک‌کننده

مرتضی درخشان
روزنامه‌نگار و رئیس جمهوری که مثل مردم عادی از کولر آبی استفاده می‌کند

همیشه فکر می‌کردم آن روزها، توی آن شرجی امیدیه، توی آن هوای گرم و مرطوب، زیر آفتابی که خانه را تبدیل به یک آون توستر حرفه‌ای با چند دستور پخت متفاوت می‌کرد و حتی آب توی لوله‌ها را آنقدر داغ می‌کرد که ما نیمی از سال چیزی به نام آبگرمکن نداشتیم و مجبور بودیم آفتابه دستشویی را از آب سرد کن پر کنیم چطور می‌توانستیم با یک کولر آبی زنده بمانیم؟

بعد یادم می‌آمد که آبله مرغان گرفته بودیم و در حالی که بدن مان هم می‌خارید لخت می‌خوابیدیم روبه‌روی دهانه کولر آبی و اگر یک قدم از آن دریچه بزرگ حلبی فاصله می‌گرفتیم همان رطوبتی که از توی دهانه کولر بیرون می‌آمد تبدیل به شرجی خفه‌کننده‌ای می‌شد که اینقدر چگالی بخار آب در اتمسفر خانه بالا می‌رفت که راه‌رفتن خودش یک جور آب‌درمانی محسوب می‌شد.

حالا همین مایی که عرض کردم خدمت مبارک‌تان، تا برق قطع می‌شود شروع می‌کنیم به لیتر لیتر عرق ریختن، آن هم زیر سایه و وسط تهران! اینها را گفتم که بگویم کولر اینقدر در زندگی ما مهم شده که انگار بدون حضور مبارکش نمی‌توانیم یک ساعت هم سر کنیم، هرچند کپرنشین‌ها به یک سایه و نسیمی که خدا می‌فرستد هم قانع هستند. به هرحال چون بنده چاق که البته نه، تپل بانمک محسوب می‌شوم، کولر را خیلی دوست دارم و این بار به جای مخالفت می‌خواهم برخی کاربری‌های عجیب کولر را بنویسم.

چیست و با ما چه می‌کند

مکانیسم کولر خیلی ساده است، هوا را می‌گیرد، خنک می‌کند، بعد فوت می‌کند! این اصل کاری است که کولرها از کولرهای ارزان‌قیمت خانگی گرفته تا اسپلیت‌های ایستاده و دیواری و کولر ماشین انجام می‌دهد، حالا یک کولر با پوشال خیس این کار را انجام می‌دهد، یک کولر با گاز فرئون و یک کولر با استفاده از گاز R۲۲ که اصلا هیچ کدام از اینها مهم نیستند.

مهم این است که مکانیسمی که با سه جمله ساده قابل تعریف است مثل کارت بانکی، زندگی ما را دست خودش گرفته و حتی نمی‌توانیم روزهای بدون کولر را تصور کنیم.

این‌که انسان تن‌پرور شده و خودش را وابسته به تکنولوژی کرده یا اختراع زاده نیاز است و ما چون به سرما نیاز داشتیم را بعدا در یکی از مجلات علمی و فلسفی که الحمدلله همه هم اهل خواندن آن هستیم به خوبی توضیح خواهیم داد، اینجا فقط می‌خواهیم چند نوع روش برخورد با کولر را بررسی کنیم.

آن اتاق دانشجویی

خانه دانشجویی ما در یک ساختمان دو طبقه واقع شده بود که فرزندان بزرگ‌تر صاحبخانه که متاسفانه در زمره دوستان خوب ما قرار گرفتند در نیم طبقه زیرزمین زندگی می‌کردند.

به نسبت تهران و آن خوزستانی که در بالا عرض کردم، اراک شهر خنکی است و کل ساختمان یک کولر داشت که دو شاخه از کانال کولر به ما طبقه دومی‌ها می‌رسید و دو شاخه به طبقه پایین می‌رفت. طبقه ما دو اتاق داشت که یکی کولر داشت و دیگری نداشت و آن که کولر نداشت بهارخواب بود، چون فقط بهارها می‌شد در آن خوابید، پاییز هم که اصولا کسی نمی‌خوابید اینقدر ما اهل درس بودیم! زمستان‌ها به خاطر سرما تعطیل بود و تابستان‌ها به خاطر گرما و ما در آن را قفل کرده بودیم و اگر دستمان می‌رسید مثل شهرداری یک نیوجرسی جلوی آن می‌گذاشتیم تا خدایی نکرده انرژی ذخیره شده مصرف نشود.

کانال کولری که به هال، پذیرایی و آشپزخانه هم سرویس می‌داد عملا طرفی نمی‌بست و ما تمام امورات خود را در آن اتاق کوچک انجام می‌دادیم، به عبارتی ما یک خانه ۱۲۰ متری اجاره کرده بودیم که عملا یک اتاق هشت متری بود و بقیه خانه حیاط محسوب می‌شد و حتی یکی دو بار پیش آمد که بچه‌ها زباله‌ها را پشت در اتاق خواب گذاشتند.

فرزندان معزز صاحبخانه هم به خاطر این‌که پدر آنها را در زمره لوازم خانگی دسته‌بندی کرده بود و در زیرزمینی با شرایط انباری زندگی می‌کردند خیلی زود با ما طرح رفاقت ریختند و دو نفری به جمع چهارنفره ما در آن اتاق اضافه شدند، فضا جوری بود که اگر می‌خواستیم هم نمی‌توانستیم درس بخوانیم که به لطف خدا ما اصلا قصدی برای این کار هم نداشتیم. فقط بیدارشدن صبحگاهی و بازکردن گره دست و پای بچه‌ها از هم یک مقدار سخت بود. اما صاحبخانه که صبح‌ها برای بیدارکردن پسرها نمی‌توانست وارد خانه ما شود از یک دکمه استفاده و کولر را خاموش می‌کرد و ما که اگر با این استعداد نفراتی که در آن اتاق یادشده بودیم در سردخانه بیمارستان هم بودیم از گرما بلند می‌شدیم و بیرون می‌رفتیم، این تنها مورد گزارش شده در جهان تا آن زمان است که برای بیدارکردن کسی از کولر استفاده شده است.

کولر برای آموزش

یکی دیگر از کاربردهای نامتعارف کولر روشن‌نکردن آن است، به جز تاکسی‌ها و برخی رانندگان اتوبوس که در قدیم کولر را یک وسیله لاکچری می‌دانستند و معتقد بودند هوای بیرون خنک است و الکی کولر روشن نمی‌کردند، نمونه دیگری نیز بود که در اینجا توضیح خواهم داد.

ما به همراه یک راهنمای کاربلد، برای تهیه مستند از مناطق جنگی غرب کشور به گیلانغرب رفته بودیم و این راهنمای کاربلد، کولر تویوتای آخرین مدل را طوری خاموش می‌کرد که خود تکنیسین‌های ژاپنی هم نمی‌توانستند دوباره کولر را روشن کنند، طوری برخورد می‌کرد که تصور می‌کردی این ماشین اصلا کولر ندارد و همیشه تاکید می‌کرد که من می‌خواهم شما بدانید که رزمنده‌ها در زمان جنگ در چه شرایطی اینجا می‌جنگیدند.

ما شرایط را پذیرفته بودیم و همین طور در حین دانستن به سر می‌بردیم که یکی از تصویربرداران از کوره در رفت و با زبان خوش توضیح داد که آن رزمندگان رفتند و جنگیدند که ما امروز در آرامش باشیم و راحت بتوانیم کولر ماشین را روشن کنیم و بعد توضیح داد که ما الان داریم می‌دانیم و دیگر بیشتر از این نمی‌خواهیم دانست! شاید به نظر شما این جملات از نظر دستوری صحیح نباشد، اما در آن گرما و آن وضعیت چیز بهتری نمی‌شد گفت! از فردا وقتی توی پیکان می‌رفتیم به این فکر می‌کردم اگر بیشتر تلاش می‌کردیم قانع می‌شد، حالا اما قانع هم بشود فایده‌ای ندارد.

کولر برای آبروداری

یک مدل دیگر کولر هم استفاده جهت آبروداری است، این مورد آخری را در جنوب کشور خودمان و البته در عراق دیدم، آنها ممکن است خودشان را طوری خنک کنند که ما یادمان رفته مثلا عراقی‌ها و البته عرب‌های خوزستان خودمان می‌روند توی یک سایه و لبه‌های دشداشه‌ها را تا زانو بالا می‌دهند، یا کرمانی ها، سیستان و بلوچستانی‌ها و هرمزگانی‌ها به لبه‌های کپرها شاخه‌ای نخل آب‌زده آویزان می‌کنند و بوشهری‌ها زیر بادگیرهای سنتی جمع می‌شوند، اما برای مهمان یک اتاقی دارند که کولر گازی دارد.

آنها کولر را برای آبروداری و برای مهمان روشن می‌کنند، کولری که شاید در طول سال هیچ وقت خودشان از آن استفاده نکنند، مثلا عراقی‌ها ممکن است اربعین به اربعین آن را راه بیندازند تا مهمان‌ها را زیر آن بخوابانند، یا جنوبی‌های خودمان که توی حساب و کتاب‌شان پول برق کولر برای مهمان یک چیز دیگری است انگار!

بعضی‌ها هم مثل مرزنشین‌ها کولر را برای کولبری می‌شناسند، به هرحال این هم یک نوع کاربری کولر است دیگر، از سیلی بهتر صورت کارگر را سرخ می‌کند، هرچند بادی از آن کولرها جگر کسی را حال نمی‌آورد و کسی را خنک نمی‌کند.

وقتی با یک دکمه کولر را روشن می‌کنیم و زیر آن لم می‌دهیم یاد آن آدم‌های دسته آخری هم باشیم، اتفاقی نمی‌افتد.

اگر می‌خواهید توهین به مفهوم مهندسی را به صورت تصویری ببینید، کافی است به کولر آبی و البته شناور آن نگاه کنید

کیفیت سیری چند؟

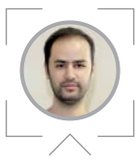

محمدتقی حاجی‌موسی
روزنامه‌نگاری که آخرین جست‌وجوی گوگلش نحوه تنظیم شناور کولر است

اول بگذارید یک چیزی را بگویم بعد برویم سراغ اصل مطلب و آن این که بنده همین امروز که می‌خواستم شروع به نوشتن این مطلب کنم، تقریبا دو ساعت درگیر تعویض و تنظیم شناور کولر بودم. لذا اگر می‌بینید لحن این نوشته، تند است حواستان باشد که اعصابم از جای دیگری خرد نیست و این کولر آبی است که مغزم را ترکانده. یک مکعب سفید و آبی که فناوری ساختش مربوط به زمان مادهاست و از آن موقع تا حالا هیچ تغییری نکرده و نماد فشل بودن طراحی، ساخت و البته بخشی از صنعت کشور است.

توی ویکی پدیا اگر دنبال واژه کولر آبی بگردید، متوجه می‌شوید که این ساخته دسته بشر از فرآیند سرمایش تبخیری برای خنک کردن ما استفاده می‌کند که می‌شود همان کاری که بادگیرهای یزد می‌کنند و این فی نفسه اصلا چیز بدی نیست منتها وقتی یک نگاه به کولر بیندازید و یک نگاه به بادگیر و بعد قرار باشد کولر آبی را راه‌اندازی یا تعمیر یا تنظیم کنید، آن وقت است که متوجه می‌شوید از چه حرف می‌زنیم.

واقعیت این است که کولر آبی، طی ۱۰۰سال گذشته هیچ تغییری نکرده و انگار که سازندگانش در برزنت رشد کرده‌باشند، هیچ نیازی به باز طراحی و اصلاح آن ندیده‌اند و این چنین است که محصول‌شان در قرن بیست و یکم و سال ۲۰۲۱، بازده E و F و G و حتی بدتر دارد و این یعنی برای تولیدکنندگان اصلا مهم نیست که این لامصب اصلا بهینه کار نمی‌کند و این همه که می‌گویند برق کم مصرف کنید به ما مردم ربطی ندارد، به ساخت کولرهای آبی ربط دارد که بیشتر از سرما، گرما تولید می‌کنند و آب و برق را می‌خورند و نهایتا یک فوت خنکی به داخل خانه می‌کنند که نصفش همان‌جا توی کانال‌ها از بین می‌رود و نصفش به ما می‌رسد تازه اگر خوش‌شانس باشیم و دریچه کولر رو به رویمان باشد.

حالا شاید بگویید خب بازده چیز مهمی نیست و ما سال‌هاست داریم با کولر آبی خودمان را خنک می‌کنیم که خب اگر یک بار تشریف ببرید پشت بام برای سر زدن به کولر آبی، هم نظرتان عوض می‌شود هم ارواح مشعشع مخترع و سازنده کولر آبی را مستفیض می‌کنید.

در واقع هیچ راهی وجود ندارد که بخواهید کولر آبی را سرویس کنید اما با دست زخم و زیلی به خانه برنگردید. طی یک اصل احمقانه، تمام لبه‌های فلزی کولر آبی به صورت نوک تیز ساخته می‌شوند تا هم موقع حمل و نقل، هم تعمیر و سرویس، دستان تان پاره پوره شود و از زندگی لذت ببرید. همه وسایل به کار رفته در کولر آبی، در اوج بی‌کیفتی و با نگاه غیرمهندسی ساخته شده و قرار گرفته‌اند. هیچ فرقی هم بین برندهای مختلف نیست.

شما حتما باید هر سال تسمه کولر را عوض کنید چون پاره می‌شود و کسی صلاح ندانسته جنس بهتر تولید کند. فناوری پوشال یا همان چوب خرده‌ها باعث می‌شود تا هر چند روز یک بار، کف کولر پر از آشغال شود و مجبور باشید آن را بتراشید. برای نسوختن پمپ هیچ راهکاری توسط تولیدکننده در نظر گرفته نشده و تقریبا توی همه کولرها یک دبه یا تکه پلاستیک کهنه را گذاشته اند روی پمپ که آب نریزد رویش و آتش نگیرد. انگار که سازنده نمی‌تواند پمپ را داخل یک محفظه بگذارد. شیر تخلیه کف کولر، یک تکه پلاستیک است که طی چند ماه خرده می‌شود و از بین می‌رود و یا باید آن را تعویض کنید یا دورش را کیسه مشمع بپیچید.

کولرها بدون پایه و بدون سایه بان و بدون هیچی فروخته می‌شوند و اگر می‌خواهید اوج بلاهت در ساخت کولر را از نزدیک ببینید، توجه شما را به شناور جلب می‌کنم.

شناور احتمالا بر اساس قانون ارشمیدس کار می‌کند که اگر خود مرحوم الان بود از کولر گازی استفاده می‌کرد. این قطعه از یک توپ پلاستیکی کج و کوله، یک میله فلزی به قطر ۲ میلی متر و یک پیچ تشکیل شده و قرار است ورود و خروج آب را کنترل کند و تقریبا هیچ وقت این کار را نمی‌کند چون هیچ رقمه استاندارد نیست و با فوت کردن داخل آن گوی پلاستکی آب بندی می‌شود! (به خدا آقای فروشنده امروز همین کار را خیلی جدی انجام داد!) چون اگر توی اینترنت سرچ کنید « چگونه شناور را تنظیم کنیم » به این پاسخ می‌رسید که « آن قدر میله را خم و راست کنید تا آب قطع شود» و این یعنی قطعه باید خراب شود تا درست کار کند! یعنی هیچ‌کس هنوز در هیچ کارخانه‌ای فکرش به این نرسیده که شناور را بهتر بسازد، استاندارد بسازد و شاید اصلا می‌شود یک راه بهتر برای کنترل ورود و خروج آب پیدا کرد اما خب چرا هزینه بی‌خود بکنیم وقتی ملت دارند همین را از ما می‌خرند؟ چرا الکی خط تولید را تغییر بدهیم؟ چرا باید پیشرفت کنیم؟

این همان نگاهی است که پیکان را ۴۰سال تولید کرد و حالا دارد پراید را ۳۰سال تولید می‌کند و کیفیت برایش یک چیز لوکس است و برایش مهم نیست یک کولر هر روز ۵۰۰ لیتر آب مصرف کند و چند کیلووات برق و آن وقت همه از بی‌آبی و بی‌برقی بگویند.

این همان فناوری فاخر کنترل ورود و خروج آب توسط شناور است!